

احیاء و ساماندهی بافت های فرسوده شهری در راستای توانمندسازی زنان شهروند؛ مورد پژوهی: اقدامات شهرداری تهران

مریم فرج پور* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
علیرضا دودانگی - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
حسین سلطانزاده - دکتری معماری، هیات علمی، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Revive and reorganize the urban tissue for citizen empowerment of women; Case: Municipality of Tehran

Abstract

The old urban tissue requires more attention in the field of planning and urban management and restoration is to organize the change of use of the space at the same time that the process of reorganization and modernization can help the re-use of these spaces. On the other hand, female-headed households as a social vulnerable groups and areas of urban management should be considered. Meanwhile, the Women's Affairs Center in Tehran in this regard is important. Therefore, in this article in an analytical and rational assessment of the issue of the change of use of old tissues for recreation centers, social and economic had been women. Reference statistical analysis of the Women's Affairs Center of Tehran Municipality in this regard is the analysis of theoretical literature. The results alluding to the services of Tehran and the empowerment of women, including the design and SH series, to provide solutions to the empowerment of women-headed households is growing in Tehran.

Keywords: Empowerment, worn tissues, regulation and rehabilitation, women heads of households, the center of Tehran women's affairs, strategies and recommendations.

چکیده

امروزه بافت های فرسوده شهرها، نیازمند توجه بیشتری در حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری برای ساماندهی و احیاء می باشد که در این میان تغییر کاربری این فضاها همزمان با فرایند ساماندهی و نوسازی می تواند راهگشای استفاده مجدد از این فضاها باشد. از سویی دیگر، زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر اجتماعی لازم است مورد توجه مدیریت شهری و شهرداری ها قرار گیرند که در این میان اقدامات مرکز امور بانوان شهرداری تهران در این رابطه حائز اهمیت است. بر این اساس، در این مقاله در روش توصیفی و تحلیلی و ارزیابی استدلالی به موضوع تغییر کاربری بافتهای فرسوده برای مراکز تفریحی، اجتماعی و اقتصادی بانوان منجمله مراکز شهربانو پرداخته شده است. مرجع تحلیل آمار مرکز امور زنان شهرداری تهران و تحلیل ادبیات نظری در این رابطه بوده است. نتایج تحقیق نیز ضمن اشاره به میزان خدمات رسانی شهرداری تهران و امور زنان منجمله در طرح های توانمندسازی و مجموعه های شهربانو، به ارائه راهکارهایی در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر تهران در حوزه وظایف شهرداری و مدیریت شهری تهران معطوف شده و پیشنهاداتی را در این رابطه مورد اشاره قرار داده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، بافتهای فرسوده، ساماندهی و احیاء، زنان سرپرست خانوار، مرکز امور زنان شهرداری تهران، راهکارها و پیشنهادات.

منزلت انسان‌هاست. تبعیض باعث عقب‌ماندگی می‌شود و عقب‌ماندگی مانع رشد و پویایی زنان است و مشارکت انسان‌ها در عرصه فردی، اجتماعی، خانواده‌گی و جهانی را مخدوش می‌کند. عکس العمل زنان در برابر تبعیض به روش‌های مختلف ابراز می‌شود و تأثیرات مضر بر خانواده و تربیت فرزندان دارد، به جامعه آسیب می‌رساند و مشکلات کنونی دنیا را افزایش می‌دهد.^۱ توانمندسازی یعنی اینکه شهروندان باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که امکان تعیین و انتخاب بر اساس نیازهای خود را داشته باشند و در واقع قادر باشند از توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود در راستای بهبود زیستی و معیشتی خود بهره بگیرند. در این میان زنان و بالاخص زنان سرپرست خانوار اهمیتی مضاعف دارند؛ چنانچه زنی که بنا به عللی از قبیل عدم ازدواج، متارکه، طلاق یا فوت همسر، مفقودالتر شدن، اعتیاد، از کار افتادگی (به طور دائم یا موقت)، محکومیت به زندان، اعزام به سربازی همسر، بیماری سرپرست و عوامل دیگر مسئولیت تامین معاش مالی را بر عهده دارد، از زنان سرپرست خانوار به شمار می‌آید.^۲ باید گفت که؛ زنان به عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ سازی جامعه نقش عمده ای دارند، امروزه از دیدگاه مدیریت شهری مورد توجه ویژه قرار گرفته اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار و تحقق مدیریت شهری اثر بخش به توانمندسازی آنها توجه خاص مبذول شود. توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانائی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵). در تعریفی دیگر از توانمندسازی زنان آمده

«بافت‌های فرسوده شهری» و حاشیه‌نشینی از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری‌های منطقه‌ای شکل گرفته است (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸، ص ۲۱) و این موضوع از جمله چالش‌های مهم فراروی مدیریت شهری در جهان معاصر است که دستیابی به پایداری شهری را با مشکل مواجه ساخته است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). در دهه‌های اخیر صاحب‌نظران به منظور سامان دادن به بافتهای فرسوده به روش‌های گوناگون با آن برخورد کرده‌اند. برخی کشورها از جمله فیلیپین، اندونزی و مالزی با استفاده از «روش توانمندسازی»، بهره‌جستن از اعتبارات جهانی، تخصیص بخشی از اعتبارات ملی و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از طریق عمران و آبادانی روستاها، در مهار کردن این پدیده توفیقاتی داشته‌اند. از سویی دیگر، آمارهای جهانی تصویری بسیار منفی و ناراحت‌کننده از وضعیت زنان به دست می‌دهند. طبق گزارش سازمان ملل، تعداد بسیاری از تقریباً صد میلیون جمعیت آواره و بی‌مسکن دنیا را زنان تشکیل می‌دهند. هفتاد درصد از ۱.۳ میلیارد نفر از جمعیت کره‌ی زمین که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، زنان و دختران هستند که منجر به وجود آمدن پدیده‌ی بی‌نام «زنانه شدن فقر در جهان» شده است؛ این که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ولی درصد بسیار کمی از ثروت جهانی در دست آنها است. در چند ماه اخیر در کشور ایران گزارش‌ها و تحلیل‌های زیادی از مشکلات زنان و دختران در رسانه‌های عمومی ارائه شده است. تبعیض و نابرابری و تحقیر زنان که نیمی از جامعه جهانی را تشکیل می‌دهند باعث تنزل

۱. در سال ۱۳۷۵، تعداد مردان سرپرست خانوار حدود ۱۱ برابر (۱۰/۹) تعداد زنان سرپرست خانوار بوده در حالی که نسبت یاد شده (تعداد سرپرست مرد به زن) در سال ۱۳۸۵ به کمتر از ۱۰ برابر (۹/۶) کاهش یافته است. گروه‌های سنی پنج ساله نشان می‌دهد که از نظر سنی مردان سرپرست خانوار بیشتر در سنین جوانی و میانسالی (به تقریب از سن ۲۴-۲۰ سالگی تا ۴۹-۴۵ سالگی) هستند، در حالی که در بین زنان این نسبت همگام با بالا رفتن سن، افزایش می‌یابد و در سن ۶۵ سالگی و بیشتر به حداکثر میزان خود می‌رسد (آماره‌های برگرفته از سایت آمار، ۱۳۹۳).

۲. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۶۴۱۰۴۴ خانوار زن سرپرست در کل کشور داریم که بیشترین آن مربوط به استان تهران با ۳۵۱۲۰۲ خانوار زن سرپرست و کمترین آن ایلام با ۸۸۳۶ خانوار زن سرپرست می‌باشد؛ همچنین خراسان جنوبی با ۵/۱۲ درصد بیشترین نسبت خانوارهای زن سرپرست و کهگیلویه و بویراحمد با ۵/۷ درصد کمترین نسبت خانوارهای زن سرپرست را دارا است.

اسنادی برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است. همچنین روش تحلیل منطقی هم در بررسی و ارزیابی مرکز امور بانوان شهرداری تهران مورد توجه بوده است که در پایان به ارائه مجموعه پیشنهاداتی در این زمینه منتهی شده است.

پیشینه موضوع

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رها شدن توسط مردان موجب آسیب پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می شود. تصور این واقعیت که اگر موقعیت آنان در جامعه سنتی و پدر سالارانه باشند نیز درآورد است. براساس آمارهای رسمی کشور امروز زنان سرپرستی ۹/۴ درصد خانوار ایرانی را بر عهده دارند (غفاری ۱۳۸۲، ص ۶)؛ و درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار می شود. از سویی دیگر، با مروری بر تاریخچه شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به این نکته پی می بریم که زنان تا پیش از انقلاب صنعتی دوشادوش مردان در این امر مشارکت داشتند و اساساً کاری خارج از منزل وجود نداشت، بعضی کارها مخصوص مردان و برخی از کارها مخصوص زنان بود، اما درآمد مستقلاً این میان معنی نداشت. با این وجود از انقلاب صنعتی به بعد، به خاطر وجود کارخانه‌ها مردان مجبور شدند به آن جا بروند، با محدودیت جذب نیرو، دیدگاه منفی‌ای نسبت به زنانی که تا پیش از این همراه مردان کار می کردند، ایجاد شد، به این مضمون که این زنان حق کار کردن و فرصت‌های شغلی مردان را تهدید می کنند. با این نگرش بود که مردان اساساً خارج از خانه رفتند و زنان خانه دار شدند و کم کم جنس اول و دوم به معنی حقیقی نمود پیدا

است که توانمندسازی زنان یعنی آنها بر شرم بی مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های مورد نظر دست یابند (فرخی، ۱۳۷۶، ص ۷۶). نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن اشاره به مفهوم بافتهای فرسوده و روشهای مداخله در آن منجمله تغییر کاربری فضایی و تبدیل آن به کاربری‌های مطلوبتر که امکان توانمندسازی زنان را فراهم می کند، به این مفهوم اشاره شود که می توان از فضاهای کالبدی موجود در بافتهای فرسوده برای ایجاد فضاهایی با کاربری‌های جدید که امکان معیشت زیستی جدید را برای اقشار آسیب پذیر جامعه را فراهم می کند، بهره گرفته شود؛ چنانچه مرکز امور بانوان شهرداری تهران به احداث و ایجاد مراکزی با عنوان شهربانو اقدام کرده است؛ لذا در ادامه به اختصار به مبانی نظری و در پایان راهکارهایی در راستای توانمندسازی زنان با فراتحلیل مطالعات صورت گرفته اشاره می شود.

مواد و روشها

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه

۱. تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روابط اجتماعی دارد و وامدار این واقعیت است که زیست جهان‌ها متکثر شده‌اند. این متکثر شدن را با تعبیر کلیدی همچون ابهام‌های تازه، رشد فردی شدن شیوه‌های زیست و الگوهای زندگی، و حل شدن نابرابری‌های اجتماعی قدیمی در تنوع جدیدی از محیط‌های اجتماعی، خرده فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و شیوه‌های زیست، نشان داده‌اند. این متکثر شدن حساسیت جدیدی نسبت به مطالعه تجربی مسائل ایجاد می کند. مدافعان پست مدرنیسم از پایان عصر روایت‌ها و نظریه‌های کلان سخن می گویند. به اعتقاد آنان، اکنون به روایت‌های محلی، موقت، و محدود نیازمندیم. برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون‌ها آنها، به مفاهیم حساسیت برانگیز نیاز است. از آنجا که دیدگاههای شخص محقق و نیز افراد مورد بررسی تا حد زیادی حذف می شوند، عینیت مطالعه باید تضمین شود (اووه فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

کرد. با این حال زنان طبقه‌ی کارگر که به علت کمبود منابع مالی همسرانشان مجبور به کار بودند همچنان در محل کار خود ماندند؛ ولی با این شرط که (دختران) به محض ازدواج از کار خارج شوند، این اصل پذیرفته شده‌ی تمام زنان آن دوران بود؛ ولی این خانه داری بسیار بد برای زنان تمام شد، چراکه زنان دیگر نمی‌توانستند در فعالیت‌های اجتماعی نیز شرکت کنند، زنجیره‌ای پیوسته که فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به هم پیوند می‌داد، دیگر حق دخالت در دیگر امور را نیز از زنان سلب کرده بود. با این شرایط، فشار کاری بر زنان کارگر هر روز بیشتر از روز قبل می‌شد، از سوی دیگر زنان روشنفکر نیز خواهان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بودند (همچون گذشته)، از این رو کم‌کم موج‌های مخالف و زمزمه‌های آرامی از مخالفت به گوش می‌رسید. این اعتراضات که اولین بار به صورت علنی در هشت مارس سال ۱۸۵۷ توسط زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا و با خواسته‌های بسیار ابتدایی از جمله افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط بسیار نامناسب کار، صورت گرفت با حمله پلیس و کتک زدن زنان به هم خورد. اما نقطه‌ی عطفی در این اعتراضات بود، تا اینکه در قرن بیستم، فشارها بر زنان کمتر شد و کم‌کم زنان توانستند تا حدود زیادی، وارد عرصه کار شوند (پاملا ابوت و کلر والاس، ۱۳۸۷، ص ۳).

در گذشته در ایران نیز، کوشش مریبان بیشتر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری آنان توجه لازم نمی‌شد، زیرا تصور می‌کردند که زن تنها برای خانه داری و تولید مثل و پرورش کودک خلق شده است و حضور اجتماعی او مفید نبوده یا مضر می‌باشد. در دوران قاجار، بریدگی زنان مرفه شهری از اجتماع به درجه ای بود که تنها هنگام حمام رفتن، شرکت در جلسات مذهبی یا میهمانی‌های زنان می‌توانستند در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان

زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینه زندگی و رفع ضروریات، کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاه‌های بافندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است. کلارا رایس در کتاب زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها می‌گوید:

«ضمن کارهای مربوط به داخل خانه، بافتن و پشم ریزی، پختن نان، تهیه لبنیات و غیره به عهده آنان بود. زنان وابسته به طبقات پایین بنا به نوع تولیدات منطقه زیستی خویش در کارگاه‌های خانوادگی مشغول کار بودند و از این طریق به اقتصاد بی‌جان خانواده کمک می‌کردند (کلارا رایس، ۱۳۸۳، ص ۲۱)».

و همچنین اضافه می‌کند:

«هیچ‌گونه قانونی برای کار وجود ندارد. کارگران مزد بسیار ناچیزی می‌گیرند، لذا زنان بسیاری باید به کسب معاش خود پردازند و آنچه را به اجبار به آنها می‌دهند، دریافت و تحمل کنند (همان، ص ۲۲)».

گشایش جامعه ایران به سوی آورده‌های تمدن جدید، دگرگونی‌های بسیار به بار آورده است که از مهم‌ترین آنها حضور اجتماعی محسوس و دستیابی به بازار اشتغال استوارود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ایران یک قرن بعد از حضور گسترده زنان غربی بود زیرا ورود فن آوری به ایران با این فاصله صورت گرفت. البته سیر صعودی اشتغال زنان در ایران به کندی و آهسته پیش می‌رفت زیرا شرایط برای تولید انبوه که با ساخت یا ورود فن آوری ارتباط مستقیم دارد، تا مدت‌ها مهیا نبوده و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان بیشتری را نداشت. تحولات کند و آهسته اقتصادی، توأم با ریشه‌های تناور سنتی که همواره در ایران روند ضد اشتغال زنان را طی کرده است، زن را از بازار کار دور نگه داشته‌اند و در مراحل‌ی که زن به طور جدی در بازار کار جلوه گر شده و جمعی از مدیران به افزایش حضور او تأکید ورزیده‌اند، ناگهان سدها و موانع سنتی و حقوقی به شکل‌ها و صورت‌های

از مجموعه فعالیت های صنعتی افزایش یابد. در شرایط قرار گرفتن در مسیر توسعه، هر گاه فقط انتظار ایفای نقش های سنتی از زنان داشته باشیم، تفکر مردود و غیر منطقی خواهیم داشت.

اگر چه موضوع زنان سرپرست خانوار و مشکلات و معضلات آنان یکی از مسائل مهم اجتماعی ست ولی متأسفانه در این راستا کار شایان توجهی انجام نشده است به همین دلیل کارهای هر چه بیشتری را در این مقوله می طلبد. کارهایی که تاکنون در این موضوع انجام شده به صورت جانبی و بخش های از تحقیقات مربوط به خانواده، اعتیاد، و طلاق بوده است. از محدود تحقیق های انجام شده، عبارتند از: بررسی علل آسیب شناسی اجتماعی خانواده های تک سرپرست در یک وزارت خانه، سهیلا مبارک، ۱۳۸۳، همایش آسیب شناسی خانواده در ایران است که در آن عوامل وضعیت نامناسب اقتصادی، پایین بودن سطح درآمد، زندگی در محلات شلوغ، نوع مسکن و غیره را در بروز آسیب های اجتماعی موثر می داند. تحقیق دیگری با موضوع آسیب شناسی و ارزیابی پدیده بیوگی در شهر تهران با رویکرد جامعه شناختی توسط دکتر محمدتقی شیخی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۸۳ انجام شده است که در آن به بررسی آسیب های اجتماعی، نابه سامانی های اقتصادی، نارسایی های روانی در زنان بیوه می پردازد. مطالعات و منابع گوناگون از کشورهای مختلف نشان می دهد که افزایش زنان در جایگاه های مدیریتی، به ویژه در مقایسه با تعداد زنان شاغل، هنوز نامتعادل است («کرافورد»، ۱۹۳۳؛ «کوئیس»، ۱۹۹۳؛ بنقل از کجباف و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). در حال حاضر جامعه صنعتی چون در تمام حوزه ها متکی به حاکمیت مردانه است، در برخی عرصه ها که نیاز به روحیات غالب زنان است، ضعیف عمل می کند؛ لذا می توان در آن زمینه ها

خاص بر سر راهش قرار گرفته و گاهی او را تا قهقرا پس رانده اند. در کشور ما، گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان های آموزشی (مدارس و دانشگاهها) در طی مدت به نسبت کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب زدگی در میان برخی از گروهها مطرح گردید، در عین حال شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشت، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد مواجه گردید و اختلاف عقیده را در میان توده های مختلف مردم موجب شد. مردان از زمانی که وارد بازار کار می شوند معمولاً تا هنگام بازنشستگی به صورت پیوسته در بازار کار باقی می مانند و تحولات زندگی، این حضور پیوسته را مختل نمی کند در صورتی که زنان دارای مشارکت ناپیوسته و قطعه قطعه هستند و تحت تأثیر تغییرات زندگی مثل وضع تأهل، تعداد فرزندان و غیره، الگوی مشارکت شان تغییر می کند. اعتقاد به نابرابری مردان و زنان از نظر قوای بدنی و فکری سبب شده است که درهای بسیاری از مشاغل به روی زنان بسته شود و حتی خود زنان نیز در بسته بودن این بر اساس بررسی های آماری انجام شده ۸۲/۳۸ درصد زنان شاغل در بخش آموزشی و فرهنگی کار می کنند و در بخش های خدمات فنی، مهندسی، حرفه ای و کشاورزی، کمتر از ۵ درصد اشتغال دارند. تغییرات بافت اقتصادی اشتغال زنان در سال های اخیر نشان می دهد که اشتغال زنان کشور توسعه نمی یابد مگر اینکه فعالیت های صنعتی رشد و پیشرفت اقتصادی مناسبی پیدا کند. یعنی اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم و جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته باشند و به نرخ های مشارکت درخور توجهی دست پیدا کنند، بایستی فعالیت های کشور توسعه پیدا کند و متناسب با آن سهم زنان

۱. جایگاه زنان در سطوح مدیریتی و بررسی و آسیب شناسی عدم مشارکت پذیری آنها در سطوح مدیریتی از جمله مهمترین مواردی است که انتظار می رود در فرآیند برنامه ریزی راهبردی سطوح مدیریتی شهر مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه به برخی از تحقیقات در این رابطه به اختصار اشاره می شود: (*): از بررسی اطلاعات ۴۰ کشور راجع به توسعه انسانی بر اساس آخرین آمار بین المللی سال ۱۹۹۸ و تأثیر آن بر میزان فعالیت زنان چنین نتیجه گیری می شود که کشورها می توانند در زمینه فعالیت اقتصادی زنان در سطوح بالای شغلی سرمایه گذاری کنند و شاهد رشد توسعه انسانی باشند. مواردی که مورد آزمون و تأیید قرار گرفته عبارتند از: عدم دسترسی زنان به تخصص های بالا، حضور فیزیکی در محل کار، ساعت های کار، مشکل ایاب و ذهاب، مشکل

از مدیریت زنانه بهره گرفت.^۱

مبانی نظری

طرف هویت تاریخی و فضایی آنها براساس هویت انسانی، اقتصاد پیشه وری و فرهنگ ما قبل صنعتی شکل گرفته و از طرف دیگر با نیازها و الزامات نیرومند عصر صنعتی و پسا صنعتی روبرو شده است. جدایی و بریدن از میراث گذشته شهر به بی هویتی و آشفتگی می انجامد و از طرفی مقاومت در برابر سبک های جدید زندگی شهری به انزوای جدایی از تحولات جهانی منجر می شود (مهدیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴). مقابله با این تضاد و بحران به یک رویکرد راهبردی درازمدت و نگرش علمی و جامع نیاز دارد. شاید مناسب ترین راهکار در این زمینه، توسعه شهری پایدار و تدوین دستور کار ملی توسعه شهری پایدار است. نظریه توسعه پایدار در راستای حمایت از منابع محیطی ارائه شده است. مبانی نظری این رویکرد بر نگهداری منابع در حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. این نظریه راه رسیدن به این اهداف را از طریق اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین و کنترل کاربریها می داند (Curtis, 2008: 107).

رویکردهای مداخله در بافتهای فرسوده

با بروز پدیده بافتهای فرسوده در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، اندیشمندان دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند که عبارتند از:

۱. «دیدگاه مساله گرا»: این دیدگاه شامل «کولوژیستهای انسانی»، «جامعه شناسان مکتب شیکاگو»، «وبریها و نئوبریها» می باشد. این گروه

مکاتب و نظریه های متعددی درباره بهسازی و ساماندهی بافت های فرسوده شهری ارائه شده که بعضی از مکاتب نقش انسان و محوریت آن را اصلی اساسی می دانند که در زیر به آنها اشاره می شود: «مکتب انسانگرایی»: «کریستوفر الکساندر»، «پاتریک گدس»، «کویین لینچ» از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهار نظر کرده اند. نظریه های این گروه تحت تأثیر نظریه های شهرسازی مشارکتی دهه های آخر قرن بیستم میلادی است. هدف اصلی این گروه توجه به مردم و مشارکت آنها در بهسازی و نوسازی فضاهای شهری است. بهسازی و نوسازی شهری شهرسازان انسانگرا، بر اساس نظرها و مشارکت شهروندان و سپس با توجه به بررسی های لازم صورت می گیرد. مداخله مردم گرایانه بیش از طراحی به برنامه ریزی شهری می اندیشد. برنامه ریزی که در آن مردم و یا شهروندان نقش اساسی را در ساماندهی شهری بازی می کنند (کویین لینچ، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲). این مکتب اعتقاد دارد شهر صنعت-زده قرن بیستمی قادر به برآوردن نیازهای جسمی و روانی ساکنانش نیست، از این رو توجه به طبیعت و فرهنگ از اصول مهم این دیدگاه است.

«مکتب توسعه پایدار»: بافت قدیم در دوران معاصر با یک تضاد اساسی روبرو شده است. از یک

◀ ترکیب نقشهای مادری- همسری با کار بیرون خانه (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹). (*) اسفیدانی موانع دستیابی زنان به پست های مدیریت در وزارت خانه های کشور را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج تحقیق عدم فرارگیری زنان در پست های مدیریتی، به مردسالاری فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارتخانه های مستقر در تهران معطوف می باشد (لهسایی زاده و بوستانی، ۱۳۸۵). (*) طبق نتایج مقاله ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران توسط دکتر شمس السادات زاهدی مسئولیت های خانوادگی و عوامل سازمانی شامل سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات روبه ها و روش ها، شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، موانع ارتباطی، جو و فضای سازمانی، عوامل فرهنگی، مانع ارتقای زنان در سطوح مدیریتی در ایران است (زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۱۷). (*) تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه های مدیریتی در سال ۱۳۸۷ توسط محمد باقر کجیاف و ملیحه سادات کاظمی انجام شده است. نتایج نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند. (*) محمد علی بابایی زکلیلی پژوهشی با عنوان چالش های زنان برای دستیابی به مشاغل مدیریتی در سازمانهای دولتی در سال ۱۳۸۷ انجام داده است. طبق بررسی ها در سالهای اخیر تعداد زنان ارتقا یافته به مشاغل مدیریتی افزایش یافته است ولی هنوز آنان سهم اندکی از کل مشاغل مدیریتی برخوردارند. (*) تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی در ایران توسط منوچهر محسنی و عذرا جلالی انجام گرفته است. طبق این تحقیق بیشترین مشارکت با گروهها نزد میانسالان مشاهده می شود که به اقتضای سن معمولاً بیشترین فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی را به عهده دارند (محسنی و جلالی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۷). (*) فاطمه صمدیان، پژوهشی را تحت عنوان «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان در کرمان»، نتیجه گرفت متغیرهای زمینه ای وضعیت تاهل و تحصیلات با مشارکت رسمی رابطه معنی دار دارد.

جدول ۱. نظریه های بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری

نظریه های بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری	
نظریه اصالت بخشی یا راهبرد اصلاح مسکن به همراه بهبود زندگی اجتماعی در بافت قدیم یا بخش مرکزی شهرها بویژه برای گروه های اجتماعی با درآمد زیاد، جوانان و خانواده های کم فرزند است. اصالت بخشی فرایندی است که در نواحی مرکزی شهرها صورت می گیرد و از طریق آن خانه های قدیمی و نیمه قدیمی خریداری می شوند و پس از نوسازی و بهسازی شرایط زندگی برای طبقه متوسط جامعه و حتی طبقات ثروتمند را فراهم می آورند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).	نظریه اعیان سازی (اصالت بخشی)
این راهبرد به جای نوسازی املاک، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را مورد توجه قرار می دهد. بر اساس این نظریه ابتدا از طریق تحلیل علل محرومیت و فرسودگی شهری باید زمینه های لازم برای اجرای سیاستها و برنامه های ساماندهی شهری فراهم آید. اقتصادی که نتواند شکم مردم خود را سیر کند، نمی تواند به بهسازی و نوسازی شهری بپردازد و برای آینده خود سرمایه گذاری کند.	نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه ریزی اجتماعی
قسمت های فرسوده در داخل شهر از طرفی خریداری شده و با پاکسازی و ساخت و سازهای جدید جایگزینی صورت می گیرد. فرض بر این است که قسمت های فرسوده در سیستم شهری کارایی ندارند. هدف اصلی جایگزینی ایجاد هماهنگی در بخشهای مختلف شهر و تأمین منابع مالی برای نواحی شهری و مشارکت اجتماعات محلی در بهبود محیط فیزیکی شان است. برنامه جایگزینی با کمک بخش خصوصی توسط تشکیلات نهادی صورت می گیرد.	الگوی جایگزین
این الگو متکی بر کوچ ساکنان و اشتغال، به خارج شهر می باشد، بدین ترتیب که جمعیت مناطق فرسوده و قدیمی مراکز شهری به حومه ها و شهرک های جدید رانده می شود و در این مکانهای جدید، اشتغال افراد نیز در نظر گرفته می شود. از طرف دیگر، مناطق فرسوده قدیمی پاکسازی شده و با ایجاد نواحی مسکونی جدید سعی می شود، گروه های اجتماعی با درآمد متوسط و بالا در این مناطق جایگزین شوند (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲).	الگوی پالایش شهری
این راهبرد بر خلاف تخلیه بافت و تعویض مکان (الگوی جایگزینی) حفظ و بهبود املاک موجود بدون جایگزینی ساکنان آن است؛ بنابراین راهبرد، هرفضایی قابل بهبود است و ارزش اصلاح در محل خود را دارد.	راهبرد خودکفایی و خود تنظیمی
طرحها تنها در زمانی توصیه می شود که نه بناهای موجود در بافت دارای ارزش باشند و نه مجموعه عناصر شهری ارزشمندی ارائه دهند. در نهایت تخریب املاک و تجمیع پلاکهای ثبتی شهر مطرح می شود (حیدرنتاج، ۱۳۸۶، ص ۶۱).	طرح تجمیع
هرچه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرایند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می شود. مشارکت فرایندی از خود آموزی اجتماعی و مدنی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می شود. خودگردانی، تجسم دموکراسی است. اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مواد اولیه سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند که ارتباطی عمودی با هم دارند. بدین معنا که در سایه آشنایی اجتماعی، اعتماد اجتماعی شکل می گیرد. اعتماد بوجود آمده به انسجام اجتماعی منجر می شود و نهایتاً اعتماد و انسجام حاصله در قالب شبکه های اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) به جریان مشارکت اجتماعی ختم می شود.	سرمایه اجتماعی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۱۵

جدول ۲. آسیب‌شناسی مراحل مختلف فرایند دخالت در بافت شهری؛ ماخذ: نگارنده.

ارزیابی اجرا	اجرا	طراحی	برنامه‌ریزی	مراحل
				عوامل
توجیه طرح و یا تخریب بدون دلیل (بسته به جایگاه کارفرما)	سرعت، آورده اقتصادی، ذی‌نفوذان، مشارکت اقتصادی ذی‌نفعان و توجیه اقتصادی سیاسی	شناخت، مبانی، مردم، بهبود وضعیت	اهداف و تمایلات ذی‌نفوذان، تمایلات ذی‌نفعان، کشور، چشم‌انداز، هدف، بهبود وضعیت	مهمترین مسائل
کارفرما، ذی‌نفعان و مردم	مردم، کارفرما و پیمانکار	مشاورین طراح، کارفرما	ذی‌نفوذان و کارفرمای مادر	گروه‌های درگیر
محله، ناحیه و شهر	بنا و محله	محله، ناحیه و شهر	کشور، منطقه و شهر	مقیاس به ترتیب بر اساس اهمیت
کوتاه‌مدت و مقطعی	کوتاه‌مدت	زمان‌بندی شده	نامحدود و طولانی‌مدت	زمان

از صاحب‌نظران، خلق فضای حاشیه نشینی شهر را تا حد یک پدیده شهرنشینی تقلیل و ضمن طبیعی جلوه دادن آن، چنین فضاهایی را محصول جبر مکانی-طبیعی و حداکثر کارکرد ناقص و غلط برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌دانند و غافل از توجه به ریشه و بنیان‌های مساله و عوامل اساسی موثر در پیدایش و شکل‌دهی این سکونتگاه‌ها، آن را یک پدیده عادی و طبیعی قلمداد می‌کنند و عوارض سوء آن را در ایجاد بزهکاری، جرم، جنایت و تهدید امنیت شهری و انواع آسیب‌های اجتماعی توصیف می‌کنند و آنها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، پاکسازی و جمع‌آوری می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

۳. «بنیادگرایان»: این دسته از صاحب‌نظران در تحلیل مسائل بافت‌های فرسوده به بنیان‌ها و ریشه‌های این کانون‌ها توجه داشته و آن را بیش از هرچیز به نظام سرمایه‌داری و پیامدهای آن نسبت می‌دهند. از این دیدگاه سرمایه‌داری عامل اصلی فقر و کمبودهای اجتماعی و در نهایت دو قطبی شدن جامعه است (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۲)؛ هرچند در این دیدگاه به ریشه‌های اصلی شکل‌گیری این کانون‌ها توجه شده است ولی رویکرد مناسب در جهت ساماندهی و ارتقاء محیطی این سکونتگاه‌ها ندارد. این نگرش دارای ضعف بنیادین در ارائه راهکارها و راه‌حلهای لازم جهت ساماندهی

از صاحب‌نظران، خلق فضای حاشیه نشینی شهر را تا حد یک پدیده شهرنشینی تقلیل و ضمن طبیعی جلوه دادن آن، چنین فضاهایی را محصول جبر مکانی-طبیعی و حداکثر کارکرد ناقص و غلط برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌دانند و غافل از توجه به ریشه و بنیان‌های مساله و عوامل اساسی موثر در پیدایش و شکل‌دهی این سکونتگاه‌ها، آن را یک پدیده عادی و طبیعی قلمداد می‌کنند و عوارض سوء آن را در ایجاد بزهکاری، جرم، جنایت و تهدید امنیت شهری و انواع آسیب‌های اجتماعی توصیف می‌کنند و آنها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، پاکسازی و جمع‌آوری می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

۲. «نگرش راه حل‌گرا»: شامل مجموعه نظریاتی است که اصولاً با بنیادها، ریشه‌ها و عوامل دخیل در شکل‌گیری این کانون‌ها کاری ندارد و در تبیین و تحلیل نهایی پدیده‌ها ریشه در دیدگاه مساله‌گرا



تصویر ۱. نقش آفرینان نوسازی بافتهای فرسوده شهری و مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارنده.

ثروت در بافتهای فرسوده به صورت ارگانیک به فعالیت پرداخته که در نتیجه آن ضمن تولید ثروت در بافتهای فرسوده کیفیت زندگی و شاخص های فرهنگی و اجتماعی نیز دچار تحول می شود.

توانمندسازی زنان

زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور دارای نقش روزافزون و فزاینده ای در فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و نقش تعیین کننده ای در بهبود و ارتقای رشد و توسعه اقتصادی ایفا می کنند. در جامعه اسلامی اشتغال یکی از حقوق اجتماعی زنان به شمار می آید؛ به گونه ای که آنان با انتخاب شغل مناسب با ظرفیتهای خود، آزاد باشند علاوه بر بهره مندی از مزایای حاصل از تلاش خود، در سازندگی اجتماع نیز سهیم باشند. اشتغال اثرات مثبت بسیاری برای خانواده و اجتماع دارد، به طوری که ضمن فراهم نمودن رضایت روحی و روانی، افزایش رفاه و ارتقاء سطح فرهنگی خانواده، موجب بهره مندی جامعه از توان و تخصص زنان نیز می شود؛ اما دستیابی به این مهم و جلوگیری از اثرات منفی اشتغال زنان، نیازمند برنامه ریزی دقیق

و بهسازی زندگی و سکونت در سکونتگاه های خودرویی موجود بوده است و تنها راه حل مساله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف از دیدگاه اقتصادی سیاسی یعنی ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می دانند (شیخی، ۱۳۸۱، ص ۳۸). اکثر نظریه پردازان ایران نیز با پیروی از این دیدگاه، توسعه برونزا و عامل فقر اقتصادی را متغیر اصلی شکل گیری چنین سکونتگاه ها می دانند. تجربه نشان داده است که به فرض تحقق کامل چنین تغییرات بنیادین، نیاز به زمان طولانی دارد و نمی توان پاسخگویی به مشکلات و مسائل را به آینده ای مبهم محول کرد (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷).

بر اساس مطالب گفته شده، نوعی تغییر نگاه (پارادایمی) به نوسازی در مقیاس جهانی بوقوع پیوسته و نوسازی از یک پروژه کالبدی به یک فرآیند اجتماعی و اقتصادی پیچیده تبدیل شده است. در تبیین الگوی مدیریت نوسازی این تحول گسترده را مورد توجه قرار گرفته و نظامی طراحی شده که در آن کلیه نقش آفرینان نوسازی با انگیزه تولید

با هماهنگی و همراهی اعضای خانواده است که به طور یقین توجه به آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از تعالیم اسلامی، می‌تواند راه‌گشای بسیار خوبی جهت موفقیت هرچه بیشتر زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال باشد (آیت الهی، ۱۳۸۱). زنان سرپرست خانوار گروهی از زنان هستند که مسئولیت تامین معاش افراد دیگری را برعهده دارند و بنا بر دلایل مختلف بار زندگی بر دوش آنها افتاده و مسئولیت خانواده بر عهده آنهاست. مطالعه کشورهای مرفعی جهان بیانگر این واقعیت است که این کشورها از این منبع عظیم نیروی انسانی در همه ابعاد، بسیار فراتر از کشورهای در حال توسعه هستند و از توان فکری و عملی آن در جهت افزایش رشد و توسعه جامعه خود بهره می‌جویند.

زنان سرپرست خانوار

منظور از سرپرست خانوار یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود؛ در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خانوار نباشند، مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌شود (سالنامه آماری مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). زنان سرپرست خانوار، زنانی هستند که عواملی مانند طلاق، فوت و یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی او، رهاشدن توسط مردان مهاجر و یا دیگر موارد موجب می‌شود که مسئولیت و سرپرستی خانواده به دوش آن‌ها بیفتد. زنان سرپرست خانوار، شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند و یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می‌کنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند. بسیاری از زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران مردان از کارافتاده و سالمند می‌شود (قدیر، ۱۳۸۰). مطالعات آماری

اخیر در دنیا نشان دهنده افزایش تعداد خانواده‌هایی است که به وسیله زنان اداره می‌شوند؛ بویژه از سال ۱۹۸۰ که تعداد خانواده‌های زن سرپرست افزایش یافته است. در اروپای غربی درصد خانواده‌های زن سرپرست به کل خانواده‌ها از ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. در کشورهای در حال توسعه نیز بین ۲۰ تا ۵۰ درصد کل خانواده‌ها به وسیله زنان اداره می‌شوند (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در سال ۱۳۷۵، ۴/۸ درصد خانوارهای ایرانی زن سرپرست بودند، این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ تعداد خانوارهای با سرپرست زن به ۵/۹ درصد کل خانوارها رسیده‌اند. سرپرست خانوار بودن موقعیتی است که صرف قرار گرفتن در آن می‌تواند تبعات و مشکلات خاص خود را ایجاد کند. در فصلنامه مطالعات فرهنگی زنان و خانواده در تعریف این موقعیت آسیب‌زا آمده است: عنوان سرپرست خانوار به یکی از اعضای خانوار، که در خانواده با این مسئولیت شناخته می‌شود اطلاق می‌گردد. در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خود نباشند مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شود. در خانواده معمولاً پدر سرپرست خانوار می‌باشد و در صورت نبود پدر (فوت، طلاق و...) مادر سرپرست خانوار محسوب می‌شود. در گذشته خانواده‌هایی که با سرپرستی زنان اداره می‌شد در جامعه به خانواده بی سرپرست شهرت داشتند. متأسفانه هنوز هم در برخی موارد از این ادبیات نادرست استفاده می‌شود. انواع زنان سرپرست خانوار شامل: زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی می‌کنند و یا به خانه پدری بازگشته ولی خود امرار معاش می‌کنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران

با مادران است (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در ایران ۸۳ درصد زنان سرپرست به علت فوت همسر عهده دار مسئولیت خانواده شده‌اند، طلاق و جدائی با سهمی حدود ۷ درصد در مرتبه دوم قرار دارد، زنانی که به دلیل از کار افتادگی مرد سرپرستی خانوار را برعهده دارند فقط ۰/۵ درصد از کل خانوارهای زن سرپرست را تشکیل می‌دهند. مقایسه ارقام کل کشور و آمار مربوط به خانوارهای زن سرپرست زیر پوشش سازمان بهزیستی نشان می‌دهد که سهم از کار افتادگی در این گروه بسیار بیشتر از ۱۹ درصد است به نظر می‌رسد تعریف رسمی مرکز آمار ایران از مفهوم "سرپرست خانوار" موجب کم‌شماری و نادیده‌انگاشتن بخشی از خانوارهای زن سرپرست شده است (شادی طلب و گرائی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۶). از سایر عوامل موثر بر وقوع پدیده زنان سرپرست خانوار می‌توان به حوادث و مصیبت‌های اجتماعی از قبیل انقلاب، جنگ هشت ساله و ناامنی‌های شغلی و ترافیکی در شهرها و جاده‌ها اشاره کرد که قربانیان خود را عمدتاً از مردان می‌گیرد. مرگ زود هنگام مردان نیز از دیگر دلایل تحمیل سرپرستی خانوار بر دوش زنان است بی‌آنکه مقدمات و آموزش‌ها و سازوکارهای لازم پیش‌بینی شده باشد. یکی دیگر از دلایل گسترش پدیده سرپرستی خانوار توسط زنان وجود این گرایش فرهنگی و سنتی است که از یک سو مردان بی‌همسر (خواه مجرد و خواه بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق) بندرت به همسرگزینی از بین زنان بی‌همسر روی آورده و به دلایلی چون عدم قبول مسئولیت معاش فرزندان آنها و میل به ازدواج با دختران مجرد به سراغ این گروه نمی‌روند. از سوی دیگر زنان بی‌همسر نیز گاه به دلیل وفاداری به شوهر متوفای خود یا ترس از آزار کودکانشان در ازدواج مجدد و گاه به دلیل آزادی بیشتر نسبت به زمان تاهل تن به ازدواج مجدد نمی‌دهند (فروزان، ۱۳۷۹).

مردان از کار افتاده و سالمند، می‌شوند. آمارها و اطلاعات ذکر شده نشان می‌دهد که پدیده زنان سرپرست خانوار، یک پدیده در حال رشد و توسعه‌ای است که به موازات این رشد ارقامی، مشکلات و مسائل عدیده‌ای به بار خواهد آورد که در صورت عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب، تبعاتش دامنگیر همه جامعه خواهد شد.

سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که که قدرت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده وی می‌باشد. بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تامین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار می‌باشد (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). در یک دسته بندی خانوارهای دارای سرپرست زن به چند گروه عمده تقسیم شده‌اند:

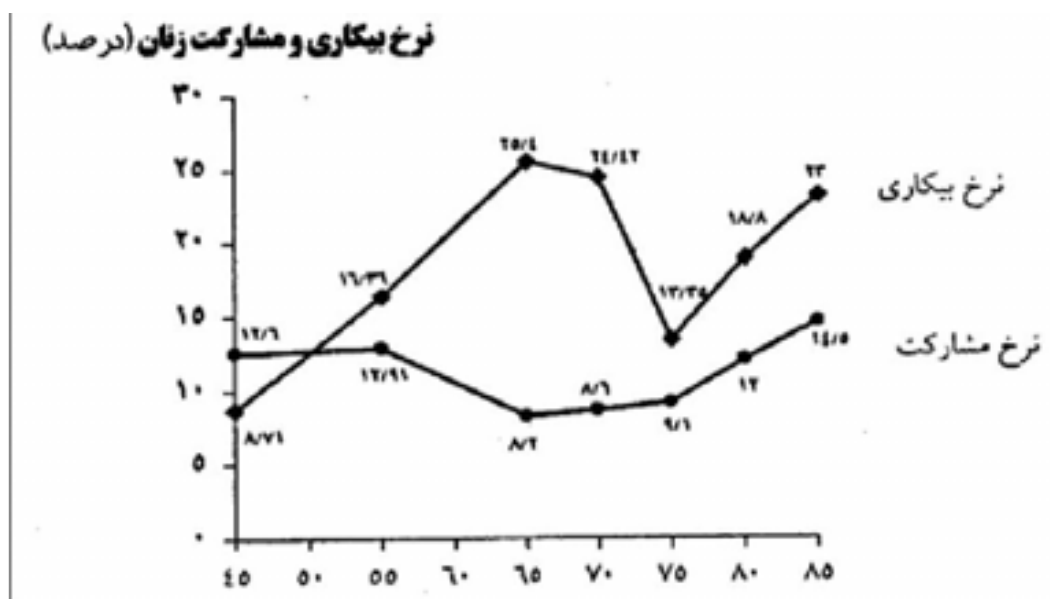
۱. گروه اول: خانوارهای هستند که در آنها مرد بطور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده‌اند تنها زندگی می‌کنند.

۲. گروه دوم: خانواده‌های هستند که مرد بطور موقت به دلیل مهاجرت، مفقود الاثر بودن، و متواری بودن یا زندانی بودن و یا سر باز بودن غایب هستند زنان مجبور به تامین معاش زندگی خود و فرزندان‌شان هستند.

۳. گروه سوم: خانوارهای هستند که مرد حضور دارد ولی به علت بیکاری و از کارافتادگی و یا اعتیاد در امر معاش نقش ندارد و عملاً زن سرپرستی را بر عهده دارد.

پذیرش سرپرستی خانوار از سوی زنان

مهم‌ترین علل عهده دار شدن سرپرستی خانواده به وسیله زنان در دنیا عبارتند از: مهاجرت سرپرست مرد، طلاق، ترک خانواده، بیوه شدن، مادران نوجوان بدون همسر و شاید بیش از همه این باور که هرچه پیش‌آید مسئولیت اداره و تامین فرزندان



نمودار ۱. مقایسه نرخ مشارکت و نرخ بیکاری زنان به درصد؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مرکز آمار ایران.

باید برنامه‌ریزی دقیقی برای آن‌ها شود اما متأسفانه توجهی به این مساله نمی‌شود. ۸۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خانه‌دار هستند، بنابراین مستمری نهادهای حمایتی به هیچ عنوان جواب‌گوی نیازهای آنها نیست، در عین حال سوءتغذیه بالایی در این نوع خانوارها مشاهده می‌شود. اینکه بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست جزء فقیرترین گروه‌ها هستند نیز از موارد تأسف بار در وضعیت این زنان است. درصد قابل توجهی از خانوارها هم هستند که توسط زنان اداره می‌شوند اما در سرشماری رسمی مدیریت خانوار به شمار نمی‌آیند. در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار بیکار، زندانی، متواری و معتاد هستند سرپرست خانوار همچنان مرد اعلام می‌شود؛ درحالی که سرپرست و تامین کننده مخارج خانواده زن است اما چون در نظام خانواده‌های ما مرد سرپرست اصلی خانواده به شمار می‌آید ممکن است در سرشماری‌ها نیز به این نکته اشاره نشود.

اشتغال زنان

زنان اگرچه بیش از نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند ولی سهم آنان از جمعیت اقتصادی حدود ۳۰٪ و در برخی کشورها بسیار کمتر از این رقم

مشکلات زنان سرپرست خانوار
 فقر، نداشتن شغل، انزوای اجتماعی، ترس و نگرانی از آینده مبهم، محدودیت شرایط اجتماعی، ناکافی بودن حمایت‌های مالی و معنوی دولت، محدودیت خدمات بیمه‌ای و نبود تأمین اجتماعی کافی از جمله مشکلات عدیده‌ای است که این زنان با آن دست به گریباندند. همچنین نگرش منفی جامعه به ازدواج مجدد این زنان، درگیری با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و ناامنی جامعه نیز از جمله دیگر عواملی است که این زنان در زندگی هر روزه خود با آن روبرو می‌شوند^۱ (Chant, ۱۹۹۷).
 در سرشماری سال ۱۳۷۵، یک میلیون و ۳۵ هزار زن سرپرست خانوار در کشور بود که تعداد آن‌ها در سال ۱۳۸۵ به یک میلیون و ۶۴۱ هزار نفر رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵)؛ در حالی که اگر قرار بود روند رشد آنها همان روند سال‌های گذشته را طی کند در سال ۸۵ باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور می‌داشتیم که تعداد بیشتری از رقم پیش‌بینی شده است. رشد زنان سرپرست خانوار ۳۵ درصد بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است که به منزله هشدار است و

می پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد انسان‌ها از جمله زنان و در جهت تعالی و کمال آنان می پذیرد.

عوامل موثر بر توانمندسازی زنان عبارتند از:

۱. بر شرم بی مورد خود فایق گردند.
 ۲. کردار و گفتار آمیخته با اعتماد به نفس و حاکی از اطمینان داشته باشند.
 ۳. قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند.
 ۴. به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند.
 ۵. قدرت رویارویی با مشکلات را داشته و ضمن مقابله، در رفع آنها کوشش نمایند.
 ۶. شناخت دقیق از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن را داشته باشند.
 ۷. اعتقاد به توانایی و قابلیت درونی رسیدن به خواست‌های خود را دارا باشند و بالاخره با افزایش توانمندی قادر به دستیابی به اهداف مورد نظر خود شوند (فرخی، ۱۳۷۶، ص ۷۶).
- «سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعه امور زنان را در پنج مرحله از برابری می داند. او تأکید می کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می آیند. این مراحل عبارتند از:

۱. «رفاه»: در این مرحله، مسایل رفاه مادی زنان

برآورد می شود. در کشورهای در حال توسعه، برای زنان نسبت به مردان فرصت‌های شغلی کمتری فراهم آورده می‌شود و دستمزد آنان در ازای کار برابر با مردان همواره کمتر بوده است. البته در سال‌های اخیر نگرش به زنان بسیار معقول شده و از این دیدگاه زنان نیز با تولید، مشارکت و برخورداری از امکانات به دست آمده در فرایند توسعه نقش قابل توجهی یافته‌اند و طبق نظرسنجی‌ها، عامل اقتصادی در اشتغال زنان، واجد بیشترین اهمیت است (بامداد، ۱۳۷۶).

به طور معمول فعالیت‌های اقتصادی زنان در بخش‌های رسمی اشتغال نامیده می‌شود. منظور از بخش رسمی اقتصاد، صنعت، خدمات و آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار مزدبگیر باشد. در این بخش زنان از حمایت قانونی بیشتری برخوردارند. بخش غیررسمی شامل کارهای گوناگونی مانند کارهای خانگی و خانه داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی می‌شود. به طور معمول کار در بخش غیررسمی اشتغال و کار محسوب نمی‌شود. امروزه در جوامع غربی آن چنان به اشتغال زن در خارج از خانه توجه می‌شود که این امر به عنوان اولین و مهمترین نقش زن مطرح شده است و نقش مادری و همسری و ادامه سنتهای فرهنگی به عنوان نقش دوم و فرعی مد نظر قرار می‌گیرد (خواجه نوری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). اما در تفکر اسلامی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگیهای فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و درکنار آن بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است؛ به همین سبب است که اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن

۱. برای سکو در بررسی ۳۹ مورد از زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان این گروه، از بیماری‌های روانی رنج می‌برند که عمده‌ترین آنها با طلاق همبستگی نزدیک دارد که شامل اختلالات عاطفی، شخصیت ضد اجتماعی و هیستری می‌باشد (خسروی، ۱۳۷۴). پارکز با اشاره به افزایش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، افسردگی و خودکشی در زنان بیوه را گزارش داده است که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده‌اند که شاید بتوان افزایش این نوع رفتارهای خود تخریب‌گرایانه را حاصل افسردگی دانست. ظهور علائم روانپزشکی (کلایتون، ۱۹۷۴؛ پارکز ۱۹۶۴) ابتدا به بیماری‌های روانی (بلین، هاروت، ۱۹۸۵) آغاز استفاده از خدمات روانپزشکی برای بیماران سرپایی (رابرتسون ۱۹۷۴؛ اشتین و سومر ۱۹۶۹) و خودکشی (لوک و وبر، ۱۹۷۲؛ کوسنگ، ۱۹۶۶؛ سی‌گول، ۱۹۶۹) همگی در بین زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، متداول‌تر از افراد متأهل بوده است ((خسروی، ۱۳۷۴، به نقل از مادیسون و ویلول‌ها، ۱۹۶۸).

در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی و درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. زنان به عنوان افرادی تصور می‌شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه‌های رفاهی استفاده می‌کنند. این مرحله، مرحله صفر از مراحل توانمندسازی زنان به شمار می‌آید. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه مرد نسبت به مردان، آنان را درگیر فرایند توانمندسازی و درگیر مراحل بالای برابری می‌کند به عبارت دیگر اگر وضعیت رفاهی دختران به دلیل تبعیضات جنسیتی پایین است، پس توانمندسازی یعنی فایق آمدن بر این تبعیضات که از سطوح بالای برابری است. سرانجام آنکه برابری و توانمندسازی زنان باید به برابری رفاهی بیانجامد. مساله رفاه زنان بدون در نظر گرفتن مسایل جنسیتی به خودی خود هدف محسوب نمی‌گردد (فواصل جنسیتی در این مرحله به معنی فقدان رفاه برای زنان در مقایسه با مردان در مسائلی مانند وضعیت تغذیه، مرگ و میر و غیره است.)

۲. «دسترسی»: «فواصل جنسیتی» در مرحله رفاهی به طور مستقیم از مساله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می‌گردد؛ فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است. برابری در این مرحله به معنای این است که زنان دارای حق مساوی در دسترسی بر طبق اصول برابری باشند؛ دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دست مزدساز، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازند، حتی دسترسی به دسترنج خود. توانمندسازی به معنای داشتن حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه‌ی خانواده و کشور است. توانمندسازی فقط دسترسی به منابع نیست؛ زنان برای دسترسی به منابع با تبعیضات حساب شده‌ای روبه‌رو می‌شوند که آداب و رسوم، قوانین اجتماعی برای آنها به وجود آورده است، در این مرحله توانمندسازی مرحله بالاتر آگاهی را در بر می‌گیرد.

۳. «آگاهی»: این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری‌های ساختاری را درک کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنها ناشی از بی‌کفایتی‌ها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض‌ها را بر آنها تحمیل کرده است. در این مرحله زنان باید تشخیص دهند و بدانند که نقش‌های جنسیتی به فرهنگ وابسته و قابل تغییر است. در این سطح برابری به معنای باور داشتن به برابری است. تقسیم کار بر حسب جنسیت در جامعه می‌بایست مطلوب هر دو طرف باشد. توانمندسازی یعنی دیدن جامعه از ورای فواصل جنسیتی و پس زدن آنها.

۴. «مشارکت»: مشارکت در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری است یعنی حضور زنان در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه‌هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آنها باید نسبت به تعدادشان باشد. چنین افزایش حضوری به منزله توانمندسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح توانمندسازی است.

۵. «کنترل»: افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم‌گیری، آنها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و توان‌تر می‌نماید، به گونه‌ای که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانه منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ کدام از آنها در مقام فرمان‌روایی نخواهند بود. «فواصل جنسیتی» شکلی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان تلقی می‌شود؛ به عنوان مثال در اینجا، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش، به این معناست که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف تأمین رفاه خود و فرزندانش نشود. منظور از توانمندسازی تعویض مردسالاری به زن‌سالاری نیست بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه است.

برابری در کنترل برای استفاده از سود بردن زنان لازم است (لانگه، ۱۳۷۲، صص ۳۲ - ۲۷).

نظریات جامعه‌شناسی درباره زنان سرپرست خانوار

الف: نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار؛ طرفداران این نظریه نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که سرپرستی آنان بر عهده زنان می‌باشد نه تنها در همه کشور های جهان گسترش یافته‌اند بلکه به درصد خانوار های سرپرست زن که جمعیت کم درآمد قرار می‌گیرند افزوده شده است این مسئله حتی در کشورهای پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند (کشورهای فمینیسم و یا دارای سیاستهای موافق فمینیستی) دیده شده است در این کشورها به رغم کمکهای دولتی به این زنان فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد از طرفی مشکلات این زنان عدم دسترسی به مشاغل با منزلت اجتماعی بالا است این زنان یا بیکارند یا مشاغل نیمه وقت کم درآمد دارند اگر مشاغل دارای منزلت بالا باشد مسئله تنظیم وقت برای انجام کار خانه و کار بیرون از خانه است این مشکل را صاحب نظران فقر زمانی نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود آسیب پذیری این قشر را دوچندان می‌کند (گیدنز، ۱۹۸۹).

ب: نظریه ساختی کارکردی؛ براساس این نظریه خانواده‌های زن سرپرست اساساً با شکل طبی و سنتی خانوادگی دو والدی در تضاد و پیدایش این گونه خانواده‌ها نوعی انحراف محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها به علت غیبت پدر و مادر زندگی زوجی تاحدی کاهش می‌یابد عدم اقتدارپذیری پدر برای ساماندهی زندگی خانواده با بحران اقتصادی و اجتماعی روبرو می‌شود بحرانی که با ورود مادر به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی خانه‌داری شروع شده به وجود می‌آید. براساس این نظریه طبقه زیرین از افراد منزوی تشکیل شده که در محلات غیرسازمان یافته ساکن‌اند؛ در این محلات حضور خانوادگی زن سرپرست میزان بالای جنایت

در این محلات، معاملات مواد مخدر، افت تحصیلی تولدهای نامشروع و دریافت کمک‌های دولتی شایع است.

ج: نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت‌ها؛ صاحب نظران در این نظریه معتقدند که فقر و آسیب پذیری مقوله‌ای طبقاتی است نه جنسیتی به عبارت دیگر زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب پذیری نیستند بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده پایین اجتماع قرار می‌گیرند بیشتر در معرض آسیب هستند. به عقیده طرفداران این نظریه مردم به دلایل سن و جنس یا خصیصه‌های نژادی و قومی شان فقیر نمی‌شوند بلکه به دلیل قرارگرفتن در طبقه‌ای خاص است که فقیر و در وضعیت اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرند و به شمار می‌آیند. مهمترین شاخص تعیین طبقه عبارت است از: شاخص درآمد، تحصیل، شغل یعنی همه زنان آسیب پذیر نیستند بلکه گروهی که درآمد کمتر، تحصیلات کمتر، شغل کم منزلت تر دارند و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند آسیب پذیرند. به عقیده این گروه با بزرگ کردن آسیب پذیری زنان سرپرست خانواده زنان در مقابل مردان پیر جوان سفید و سیاه قرار می‌گیرند. در واقع آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار و همه افراد بی بضاعت فرایند اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آنها را از دسترسی به شرایط مناسب محروم می‌کند. این شرایط خانواده‌ها را از هم می‌گسلاند و تشکیل خانواده را با این شرایط اجتماعی و اقتصادی مشکل می‌کند.

د: نظریه کنش؛ برخلاف نظریه قبلی که جنبه ساختاری و کلی داشت و با دید کلی و ساختی به بررسی مسائل زنان می‌پرداخت طرفداران نظریه کنش از جنبه دیگری به طرح مسئله می‌پردازند. به نظر آنان اگرچه خانوادگی زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار کار) ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تاثیر می‌گیرند و

رویکردها و اهداف معتبر جهانی محسوب می‌شود. از اینرو توانمندسازی زنان از مباحث حائز اهمیت در هر جامعه روبه رشدی می‌باشد که باید به آن پرداخت. توضیح توانمندسازی در بند چهار دستور العمل توانمندسازی تهیه‌شده به وسیله‌ی سازمان ملل متحد، شامل پنج بخش عمده است که عبارت‌اند از:

۱. احساس ارزش داشتن؛
۲. حق مالکیت و تصمیم‌گیری؛
۳. حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع؛
۴. حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه

۵. قدرت تأثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی تر تحصیلات در بین فرزندان شان افزایش بزهکاری فقر در ابعاد مختلف روبرو هستند. طرفداران نظریه

طبقاتی نیز اولاً آسیب‌پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده‌ای عمومی می‌داند ثانیاً علت اصلی

آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه‌داری نسبت می‌دهند؛ بنابراین در شبکه خویشاوندی و در ارتباط با زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی‌های فردی و اقوام و آشنایان و در عین حال چگونگی گذران اوقات جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات فراغت آنان خلاءهای جبران‌ناپذیری به وجود می‌آید (رابرتسون، ۱۳۶، ۱۳۷۲).

از سوی دیگر با توجه به دیدگاه اقتصادی وضعیت اشتغال زنان بعد از فوت شوهر به دلیل وابستگی به او در زمان حیات و عدم حمایت سازمان‌های او دچار مشکلات عدیدمی می‌گردد. در این ارتباط خدمات بیمه‌ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش موضوع خود اشتغالی و کارافرینی مطرح می‌گردد مهارت‌های زندگی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، که زنان سرپرست خانوار می‌توانند با آموزش مهارت در نتیجه افزایش توانایی‌های خود و دریافت وام و اعطای سهام به آنها از سوی سازمان‌ها به نوعی بنظر می‌رسد: «آموزش مهارت‌های شغلی و اجرای مورد حمایت قرار گرفته و خودکفا شوند. لذا وقتی کشوری می‌خواهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه گلبه کند، موضوع توانمندسازی و مشارکت زنان گامی لازم برای قرارگرفتن در مسیر توسعه انسانی و مدیریت استعدادها، اهداف توسعه هزاره و سایر زنان سرپرست خانوار؛ اتخاذ تمهیدات لازم نظیر

نمی‌توانند بر مشکلات خود فایز آیند. به عبارت دیگر نمی‌توان این گونه از زنان قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان راههای مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. در برخی از شهرهای آفریقای غربی زنان معتقدند در نبود مردان بهتر میتوانند خانواده را سازماندهی کنند در مکزیک زنان سرپرست خانوار زندگی تنها را بهتر از زندگی مردان غیر مسئول می‌دانند سایر بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرپرستی خانواده در خانواده‌های زن سرپرست موجب افزایش استقلال و آگاهی طبقاتی زنان شده است. در حوزه جامعه‌شناسی زنان سرپرست با مسائل و مشکلاتی نظیر عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب سطوح پایین تر تحصیلات در بین فرزندان شان افزایش بزهکاری فقر در ابعاد مختلف روبرو هستند. طرفداران نظریه طبقاتی نیز اولاً آسیب‌پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده‌ای عمومی می‌داند ثانیاً علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه‌داری نسبت می‌دهند؛ بنابراین در شبکه خویشاوندی و در ارتباط با زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی‌های فردی و اقوام و آشنایان و در عین حال چگونگی گذران اوقات جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات فراغت آنان خلاءهای جبران‌ناپذیری به وجود می‌آید (رابرتسون، ۱۳۶، ۱۳۷۲).

از سوی دیگر با توجه به دیدگاه اقتصادی وضعیت اشتغال زنان بعد از فوت شوهر به دلیل وابستگی به او در زمان حیات و عدم حمایت سازمان‌های او دچار مشکلات عدیدمی می‌گردد. در این ارتباط خدمات بیمه‌ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش موضوع خود اشتغالی و کارافرینی مطرح می‌گردد مهارت‌های زندگی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، که زنان سرپرست خانوار می‌توانند با آموزش مهارت در نتیجه افزایش توانایی‌های خود و دریافت وام و اعطای سهام به آنها از سوی سازمان‌ها به نوعی بنظر می‌رسد: «آموزش مهارت‌های شغلی و اجرای مورد حمایت قرار گرفته و خودکفا شوند. لذا وقتی کشوری می‌خواهد بر موانع مرتبط با فقر و توسعه گلبه کند، موضوع توانمندسازی و مشارکت زنان گامی لازم برای قرارگرفتن در مسیر توسعه انسانی و مدیریت استعدادها، اهداف توسعه هزاره و سایر زنان سرپرست خانوار؛ اتخاذ تمهیدات لازم نظیر

مورد تاکید قرار می دهد؛ چنانچه شهرداری تهران در مجموعه هایی تحت عنوان شهربانو به این مهم همت گماشته است.

مرکز امور بانوان شهرداری تهران

شهرداری تهران و بالاخص مرکز امور بانوان شهرداری تهران با ایجاد رویکردی جدید و توجه گسترده تری به حضور فرهنگی و اجتماعی خود در شهر تهران، سعی در بهبود و ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان شهر تهران نموده است و با نهادسازی در حوزه زنان، توانمندسازی و توان افزایی، زمینه های لازم برای مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی شهر تهران نموده است. در ادامه به اسناد فرادستی و مصوب شهرداری و چشم انداز شهرداری و تدابیر شهرداری تهران در رابطه به ارتقا جایگاه زنان در حوزه مدیریتی و خدمات رسانی به این قشر به اختصار اشاره می شود. بر اساس برنامه پنج ساله شهرداری تهران مورخ ۸۸/۰۹/۱۱ بند ۷ برنامه های مرتبط با راهبرد چهارم سند طرح جامع شهر تهران، شهرداری موظف است به منظور حمایت از توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دختران و کودکان در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و سالمندان نسبت به تهیه و ارائه برنامه مشخص در راستای موارد ذیل اقدام نماید:

۱. حمایت و توانمندسازی زنان و دختران در معرض آسیب و آسیب دیده با همکاری سازمانهای دولتی و غیر دولتی مسئول.
۲. حمایت از ظرفیت سازی سازمان های غیر دولتی، نهادهای مدنی و کانون های زنان به منظور ارتقاء توانمندی آنان در حمایت از زنان و دختران در معرض آسیب و آسیب دیده.
۳. گسترش واحدهای مشاوره روانی و حقوقی در مراکز مهارت آموزی.
۴. گسترش آموزش های فنی و حرفه ای و مهارت های زندگی به زنان و دختران.
۵. ارائه طرح جامع مداخلات شهرداری به عنوان سهم و مشارکت شهرداری تهران در تأمین مسکن

اجاره به شرط تملیک و وام مسکن و وام اجاره مسکن جهت حل مشکل مسکن زنان سرپرست خانوار؛ اعطای کمک های بلاعوض، بن ارزاق، طرح اکرام، تهیه سبد غذایی رایگان برای زنان نیازمند سرپرست خانوار با لحاظ اصل حفظ کرامت آنان؛ اختصاص بازارچه های دائمی خوداشتغالی ویژه زنان سرپرست خانوار؛ ایجاد بنگاه های کوچک زودبازده جهت اشتغال زنان سرپرست خانوار ترجیحاً با مدیریت زنان؛ گسترش اشتغال خانگی زنان سرپرست خانوار از طریق شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا به منظور اختصاص فرصت کافی برای تربیت فرزندان آنها؛ ضرورت تأسیس صندوق حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار در جهت استقلال و خودکفایی آنها؛ ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهره مندی از خدمات مشاوره ای رایگان برای خانواده های زن سرپرست؛ برگزاری جشنواره های خاص جهت تمجید از زحمات زنان سرپرست خانوار شاغل جهت حفظ کانون خانواده؛ ارائه کمک های مختلف اقتصادی با لحاظ حفظ، عزت و حرمت زنان سرپرست خانوار؛ ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار؛ ایجاد انگیزه جهت ارتقای دانش و سواد در بین زنان سرپرست خانوار؛ فرهنگ سازی در خانواده ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار در کنار حمایت های پدرشوهر و قییم قانونی؛ باز تعریف واژه زنان سرپرست خانوار از سوی مرکز آمار ایران جهت رفع معضل کم شماری خانوارهای زن سرپرست؛ آموزش مهارت های شغلی و حرفه ای جهت کارایی و اشتغال زنان جویای کار سرپرست خانوار؛ ارتقای اطلاعات و آگاهی ها و آموزش زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنها؛ آموزش مهارت های زندگی در مواجهه با بحران های زندگی.»

شایان ذکر است که همه موارد فوق نیازمند وجو مراکزی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برای بانوان و خاصه زنان سرپرست خانوار است که ضرورت در نظر گرفتن تغییر کاربری فضایی برای این اقشار را

حمایتی زنان سرپرست خانوار.

تدابیر شهرداری تهران بر اساس چشم انداز سند توسعه پنج ساله نیز عبارت است از: انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات. در ادامه ساختار عملکردی شهرداری تهران در حوزه زنان مورد اشاره قرار می گیرد.

سـرانه دوره های آموزشی برای بانوان

سرپرست: باید گفت که مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ به ترتیب بیشترین و مناطق ۱۹، ۲۰ و ۸ کمترین میزان را به خود تخصیص داده اند. در کل باید گفت که ضریب چولگی پرش در میزان خدمات رسانی نشان از آن دارد که تعادل لازم در این رابطه در سطوح خدمات رسانی به بانوان در حوزه برگزاری دوره های آموزشی و آموزش بانوان شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه دیده نمی شود.

ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های بانوان: در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهروانو در مناطق ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که مشتمل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه ها محروم مانده اند.

ایجاد، تجهیز و توسعه پارک های بانوان:

توسعه پارکها و پردیسهای درون شهری برای بانوان در مناطق کلانشهری از زمره موارد مهمی است که باتوجه به گمبود فضاهای تخصیص یافته به زنان در شهر، معنادار نشان می دهد. ایجاد پارک بانوان در مناطق ۳، ۱۵، ۱۸ تنها موردی بوده است که در اداره کل امور بانوان مورد توجه بوده است و دیگر مناطق در این رابطه به دلایل متعدد مغفول مانده اند. لذا در مناطق محروم پایین شهر زنان شهروند از عدالت لازم در برخورداری از فضاهای سبز و پارکهای درون شهری برخوردار نبوده اند.

تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان:

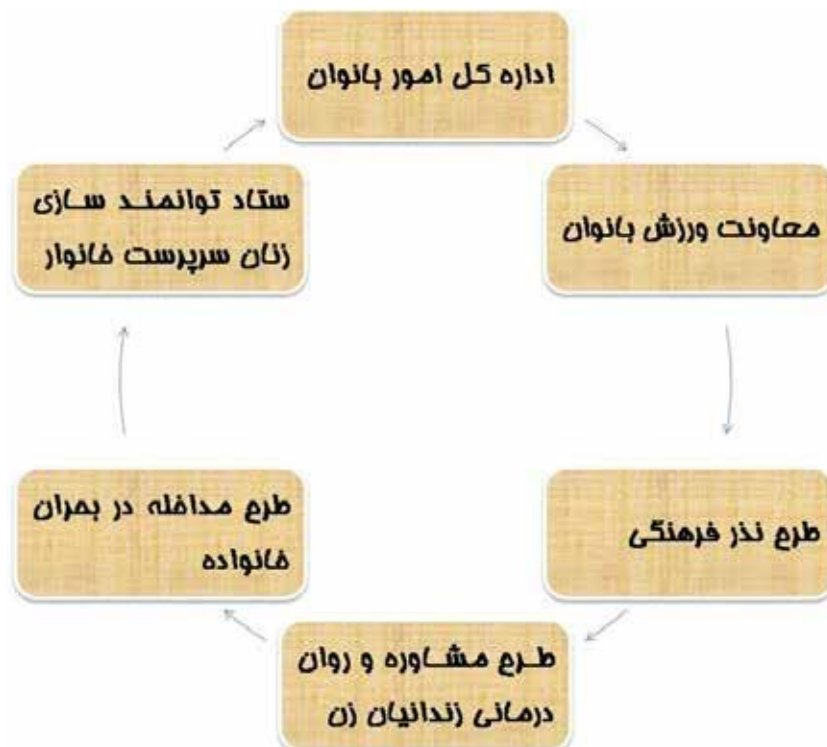
در رابطه با کتابخانه ها و مراکز فرهنگی برای بانوان نیز باید گفت که پراکنش مراکز فرهنگی و کتابخانه ها برای زنان نشان از آن دارد که در این رابطه هم عدالت دیده نمی شود. تنها تجهیز کتابخانه های مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ مورد توجه بوده است و ۱۱ منطقه دیگر مورد توجه قرار نگرفته اند، هرچند که برخی از آنها قبلاً از این مراکز برخوردار بوده اند.

خدمات رسانی و برنامه های ورزش بانوان:

اقدامات شهرداری در این رابطه عبارتند از: مسابقات ورزش محلات؛ ایستگاه های تندرستی؛ آموزش ورزش شهروندی؛ مسابقات ورزش کارکنان؛ نمایشگاه ورزش شهروندی.

توانمندسازی زنان شهروند تهرانی

ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم



نمودار ۲. ساختار عملکرد شهرداری تهران در حوزه زنان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گزارش امور بانوان شهرداری تهران.

۲. «ترویج سبک زندگی اسلامی در حوزه زنان»: اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات مطالعاتی، پژوهشی و راهبردی؛ طرح های فرهنگی و اجتماعی؛ اقدامات فرهنگی و ترویجی.

۳. «ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی»: این اقدامات عبارتند از: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ و ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی.

۴. «توانمندسازی و ارتقاء قابلیت های بانوان» مشتمل بر: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی. زمینه سازی به منظور جلب مشارکتها و ارتقاء سرمایه اجتماعی بانوان: اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ نهادسازی و جلب مشارکت شبکه های اجتماعی.

به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

اقدامات شهرداری تهران در حوزه زنان

بر اساس سرشماری سال ۸۹، جمعیت بانوان شهر تهران ۴۰۶۰۷۴۴ نفر می باشد. جدول تفکیکی جمعیت بانوان شهر تهران بر اساس گروه های سنی مختلف به شرح زیر است:

اداره کل امور بانوان فعالیت های خود را بر رویکردهای زیر با تمرکز بر مأموریت تعمیق مبانی دینی دنبال کرده است.

۱. «تحکیم و اعتلاء بنیان خانواده»: این اقدامات شهرداری عبارتند از: طرح های اجتماع محور در حوزه خانواده؛ طرح های فرهنگی، آموزشی و ترویجی؛ اقدامات مطالعاتی و پژوهشی؛ اقدامات زیرساختی^۱؛ اجرای برنامه های اجتماع محور در حوزه آسیب شناسی؛ مشتمل بر: طرح پیشگیری از آسیب های اجتماعی، طرح کاهش خطرپذیری.

جدول ۵. جدول تفکیکی بانوان شهر تهران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹.

کل جمعیت زنان	خردسالان و کودکان	نوجوانان و جوانان	بزرگسالان و میانسالان	سالنسان
۴۰۶۰۷۲۲	۲۹۲۲۵۸	۱۶۵۱۹۰۸	۱۵۱۲۲۰۶	۲۳۸۹۰۲

در جهت ارتقاء فرهنگ معنوی و اخلاقی در سطح منطقه از طریق برگزاری دوره های آموزش قرآن و اخلاق به فرزندان و بانوان از دیگر خدمات مجموعه شهربانو است.

با توجه به گستردگی و توسعه روز افزون کلان شهر تهران و تنوع خرده فرهنگها و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در آن، به تناسب وضعیت حاکم بر مناطق شمالی، جنوبی، شرقی و غربی و مرکزی در تهران، مراکز شهربانو در هر کدام از مناطق مذکور ایجاد شده تا بتوان به تناسب وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر یک، برنامه ها و فعالیت های متناسب با آنها را طراحی و اجرا کرد. قطعاً معماری و مدیریت چنین مرکزی نشان از تغییر کلیشه های فرهنگی جنسیتی در جامعه جهت تغییر نگرش سلبی به نگرش ایجابی، گسترش ارتباطات اجتماعی در جهت استحکام هویت و شخصیت و تقویت توانمندیها و در نهایت ایجاد احساس خود ارزشمندی بانوان خواهد داشت. در بیان ضرورت ایجاد مراکز شهربانو در سطح شهر تهران بایستی به رویکرد شهردار محترم در سند ۵ ساله توسعه و طرح جامع شهر تهران در الزام مدیریت شهری به اتخاذ تدابیر ویژه برای تسهیل زندگی دختران و بانوان تهرانی از طریق فراهم نمودن زمینه های بهره مندی ایشان از امکانات و فضاهای شهری اشاره نمود. شکل گیری مکان های که زن مسلمان محجبه ی ایرانی بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی و .. خود را در یک محیط امن و سالم برآورده کند همواره از دغدغه های مدیریت شهری بوده است. از دیگر دلایل طراحی این مراکز، مرتفع نمودن نیازهای اشتغال زنان است. بخشی از فضاهای این مراکز به

۵. «برنامه های معاونت ورزش شهرداری تهران»
 ۶. «توانمندسازی زنان شهروند تهرانی»: ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایش زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

یکی از مصادیق تغییر کاربری اراضی و بافتهای فرسوده ایجاد مراکز فرهنگی و اقتصادی به نام شهربانو است که در تعریف آن آمده است: «شهربانو مرکزی زنانه است که سعی دارد بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی زن مسلمان ایرانی را در یک محیط امن و سالم برآورده کند. شهربانو به عنوان مرکزی زنانه عهده دار ارائه خدمات مختلف به بانوان منطقه و فرزندان دخترشان است. علاوه بر این، ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان منطقه از طریق ارائه خدمات مشاوره ای، کلاس ها و بروشورهای آموزشی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد بسترهای مناسب جهت کسب مهارت های تولیدی با رویکرد اشتغال زایی به منظور ارتقاء فرهنگ تولید در خانواده و جامعه از دیگر زمینه هایی است که مراکز شهربانو در آن فعالیت می کنند. ارائه تسهیلات برای مشاغل خانگی از طریق راه اندازی بازارچه های کوثر، تلاش

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۹ تابستان ۹۴
 No.39 Summer 2015

۱۲۸

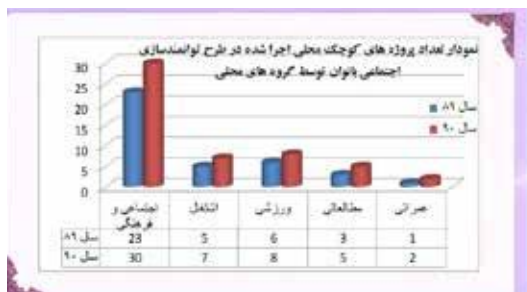
۱. ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های شهربانو و پارک های بانوان، تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان، طراحی، راه اندازی و بروزرسانی سایت اداره کل امور بانوان، و سایت همراز یاس ویژه زنان شهیده، جانباز و ایثارگر، طراحی و راه اندازی سامانه بانک اطلاعات بانوان.



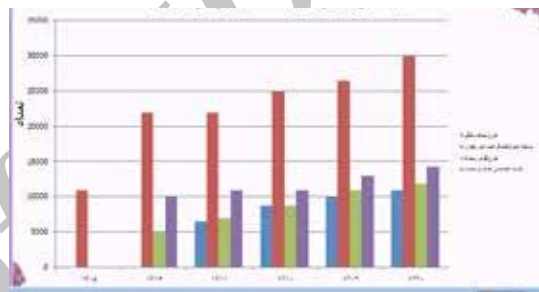
نمودار ۶. افراد آموزش دیده در حوزه خانواده؛
ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری
تهران؛ ۱۳۹۱.



نمودار ۵. افراد تحت پوشش طرح غنچه های شهر؛
ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری
تهران؛ ۱۳۹۱.



نمودار ۸ (سمت چپ). تعداد پروژه های محلی در طرح
اجتماعی بانوان؛ ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان
شهرداری تهران؛ ۱۳۹۰.



نمودار ۷ (سمت راست). استفاده کنندگان از برنامه های
بانوان طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰؛ ماخذ: گزارش طرح
تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۰.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۲۹

در جوامع جهان سوم که زن بودن خود به تنهایی تبعات و مسائلی را در پی دارد؛ سرپرست خانوار بودن زنان می تواند مشکلات پیچیده تری ایجاد کند. زنان سرپرست خانوار با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو هستند که این مسائل و مشکلات شامل مشکلات اقتصادی و فقر، مشکلات روحی و روانی، مشکلات آموزشی و مهارتی، مشکلات جسمی و سلامتی، مشکلات اجتماعی، مشکلات مربوط به بیمه و مجرد قطعی می شود که در واقع هر کدام از عوامل به نوعی می تواند موجب عوامل دیگر باشد. به دلیل این عامل مشکل زا و پیامدهای آن، باید تلاش هایی در جهت توانمندسازی این زنان صورت بگیرد که این مهم همیاری جدی دولت و شخص این زنان را می طلبد. مسئله دیگری که در این مجال فرصت طرح شدن می باید تغییر نگرشی

ایجاد فرصت های شغلی برای بانوان اختصاص دارد. نتیجه گیری و جمع بندی یکی از معضلات و مشکلات زنان در جوامع جهان سوم، فقر و محرومیت است که از دستیابی زنان به امکانات و مهارت های لازم برای توانمند شدن جلوگیری به عمل می آورد و سبب می شود که زنان برای برعهده گرفتن نقش های اجتماعی از توانایی های لازم برخوردار نباشند؛ ولی مسئله اینجاست که در صورت نبود مردان، این نقش ها به اجبار به زنان سپرده می شود اگرچه زنان، توانایی لازم برای برعهده گرفتن این مسئولیت را دارا نیستند. زنان سرپرست خانوار یکی از گروه های جامعه هستند که به دلیل مسائل و مشکلات پیش رونده ای که دچار آن می باشند؛ به عنوان یکی از اقشار آسیب دیده جامعه، نیازمند بررسی و مطالعه هستند.

تعداد زنان آگاه، تحصیل کرده، ماهر و متخصص افزایش یابد، گستره‌ی توانایی‌های جامعه نیز وسعت می‌یابد. و کلام آخر آن که اقدامات نمادین و نمایشی چاره‌ی کار نیست. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل اصل دانستن «کرامت انسانی» دارای بهترین شرایط برای شناسایی امور و احقاق حق مستضعفین جهان از جمله زنان است؛ لذا راه حل‌هایی برای تغییر وضعیت موجود، به کلیه زنان جهان ارایه می‌نماید. توصیه و پیشنهاد به سازمانهای غیر دولتی زنان (NGO) در رابطه با زنان عبارتند از:

۱. زنان باید همبستگی اجتماعی خود را ارتقاء داده و بانوان مشخصی که دارای زمینه ذهنی آماده‌تری هستند می‌توانند شرایط رشد، پرورش، و تعالی حساسیت سایر زنان را تامین نموده و توجه آن‌ها را از مشکلات ریز اجتماعی به حضور در تصمیم‌گیری‌های کلان تشویق نمایند تا بتوانند در توسعه امنیت و آزادی مشارکت پیدا کنند.

۲. همبستگی اجتماعی باید از نظر فرهنگی، به توسعه تفاهم اجتماعی، از نظر اقتصادی، به توسعه تعاون و همکاری اجتماعی و از لحاظ سیاسی، به توسعه امنیت اجتماعی منجر گردد.

۳. هدف از فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، ارتقاء سطح فکری آنان در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مقابله با مظلوم جهانی (نه مقابله با مرد و طرح برابری‌ها یا اختلاف جنسی) از طریق ایجاد حادثه و تغییر جهت‌حوادث جهان به نفع قشر مظلوم می‌باشد.

۴. توصیه به مسؤولین سازمان ملل و کنفرانس‌های بین‌المللی که در تنظیم و تصویب قوانین (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) جهانی حقوق زنان را به طور کامل رعایت نمایند.

۵. بررسی و مطالعه در روش اطلاع رسانی، تنظیم اطلاعات، تکنولوژی، توزیع آن از طریق شبکه‌های اطلاع رسانی جهانی و مبارزه با طبقاتی شدن اطلاعات و فرهنگ به نفع قشر قدرتمند.

پیشنهاد‌های که برای دستیابی به این مهم ارایه

ست که نسبت به حرفه‌ی خیاطی صورت گرفته است و باعث شده است که امروزه آن شغل امن و زنانه‌ی دیروز نگاه‌های ناخوشایندی را به خود معطوف کند که البته عامل اصلی آن زنان و دخترانی هستند که از محیط‌های آسیب‌زای خود، مسائل و مشکلاتشان را به این محیط تسری می‌دهند. باید به توانمندسازی زنان به صورت پدیده‌ی ملموس و واقعی، یعنی چنان که هست، به صورت عینی و با توجه به محتوای فلسفی ویژه‌اش بر خورد کرد. بنابراین برنامه‌ریزی‌ها و ارائه‌ی طریق‌ها باید با توجه به مسائل فرهنگی و چالش‌هایی که در سنت‌ها، راه و رسم زنده‌گی و شیوه‌ی تفکر افراد ایجاد می‌شود، صورت پذیرد تا از همان آغاز، منجر به واکنش‌های نامناسب، پیش‌داوری غیرمنطقی هم‌راه با ارزیابی‌های اخلاقی احتمالی به وسیله‌ی افراد با نگرش‌های مختلف نگردد. از آن‌جا که هر گونه برنامه‌ریزی برای توانمندسازی زنان در یک توسعه پایدار، ناگزیر با توجه به الگوها و نگرش‌ها و یافته‌های غربی موجود خواهد بود، توجه به شرایط اجتماعی اقتصادی و سیاسی هر منطقه و در نهایت کشور از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. به این ترتیب، مسأله‌ی مهم، ایجاد رابطه‌ی ظریف و دقیق بین فن‌آوری جهانی - هیچ عاملی نمی‌تواند آن را از پیش‌روی باز دارد - و فرهنگ‌ها و فضیلت‌های تصویری و یا واقعی موجود در جامعه است. هر گونه بی‌توجهی به موارد مذکور و اشتباه ممکن است موجب واکنش‌های منفی و واپس‌گرایانه و یا مثبت غیرمعتولانه شود. رسانه‌ها و کتاب‌های درسی در ایجاد تغییر و حذف کلیشه‌های نقش سنتی و کهنه از زنان و مردان نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند. ارائه تصویر مثبت از مشارکت زن و مرد در خانواده، جامعه و زنده‌گی فردی باعث پویایی و تداوم توسعه پایدار خواهد شد، اعتماد و عزت نفس به دختران نوجوان داده می‌شود و دوگانه‌گی شخصیتی پیدا نخواهند کرد. اعتماد به نظام اجتماعی و آموزش و نهادهای جامعه مستحکم خواهد شد و هرچه قدر

می‌شوند عبارتند از: الف: ارائه خدمات ساده و پیشرفته سازمانی به زنان جهان؛ ب: بالابردن سهم تاثیر زنان در تغییر و توسعه شرایط اجتماعی برای حل مشکلات افشار مستضعف در جهت تکامل؛ ج: بالا بردن سطح همکاری زنان در جهان؛ د: ایجاد هم‌دلی، هم‌فکری، و همکاری با زنان مستضعف جهان.

با توجه به محدودیت‌ها و مسئولیت‌های سنگین بانوان در خانه و محیط و همچنین نیاز به الگوهای صحیح توسعه و تحکیم خانواده مراکزی مختص بانوان که بتواند در امر خطیر احیاء اهداف فرهنگی و اجتماعی خدمت کنند بسیار ضروری است. موارد ذیل از دیگر ضرورت‌های ایجاد مراکز شهربانو به استناد سند ۵ ساله و طرح جامع شهر تهران است:

۱. ایجاد و توسعه مراکز فرهنگی، اجتماعی و ورزشی ویژه بانوان در سطح مناطق شهری (با عملکرد محله‌ای، منطقه‌ای و شهری) به منظور تسهیل دسترسی سالم بانوان در محیط‌های عمومی و استفاده از مواهب شهر، افزایش رفاه، احساس امنیت، آرامش و رضایتمندی دختران و زنان تهرانی در گذران اوقات فراغت خود و استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، شکوفایی اقتصادی با پشتوانه‌های دینی و معنوی
۲. ارائه تسهیلات آموزشی و مشاوره‌ای در سطح نواحی و محلات در جهت کاهش آسیب‌های مرتبط با بانوان
۳. حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و کانون‌های زنان با رویکرد محله محوری

ارتقاء ظرفیت‌های بانوان و یا در زمینه اقدامات آموزشی و ترویجی برای ایشان موارد زیر پیشنهاد می‌شود مشتمل بر: برگزاری جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و جشنواره و نمایشگاه، جشنواره سراسری بهترین‌ها از دوریختنی‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای بانوان سرپرست خانوار، جشنواره سراسری برای زنان و زندگی شهری. همچنین برای زمینه‌سازی در راستای جلب مشارکت زنان اقدامات پیشنهادی مشتمل اند بر: طرح اجتماع محور ارتقاء هویت و تعلق محله‌ای بانوان، تهیه نیمرخ تعلق محله‌ای بانوان محلات، تشکیل گروه‌های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پروژه‌های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیتهای بانوان سرپرست خانوار و برای جلب مشارکت شبکه‌های اجتماعی پیشنهادات مشتمل اند بر: راه اندازی خانه‌های تسنیم، استقرار مدیریت امور بانوان در محلات، هماهنگی و هم‌افزایی ابتکارات و توانمندی‌های بانوان و کانون‌های محلی محلات، حمایت و هدایت شبکه‌های اجتماعی بانوان محلات، هم‌افزایی با سایر خانه‌ها و کانون‌های محلی سراسری محلات، تشکیل کانون‌های ۹ گانه بانوان در محلات.

منابع و ماخذ

ابوت، پاملا و والاس، کالر (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، سایت بنیاد اندیشه اسلامی.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر نی.

اسدی، عبد الرضا (۱۳۸۱) «شناخت زنان روستایی با کاربرد روش تحقیق کیفی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳.

افشاری، زهرا و ابراهیم شیبانی (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار ایران»، پژوهش زنان، شماره ۱.

انکر، ریچارد و هین، کترین، زنان در بازار کار ایران، به انضمام تئوریهای نابرابری جنسیتی، ترجمه‌ی

خسروی، زهره (۱۳۸۰) بررسی آسیب های روانی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا شماره ۳۹.

خواجهنوری، بیژن، عبدالعلی لهسایی زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴) بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی، مطالعه موردی استان فارس، مجله‌ی جامعه شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۳، ص ۱۲۴-۱۴۵.

رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳) زنان ایرانی و راه و رسم آنان، ترجمه اسدالله آزاد، تهران، نشر کتابدار. زارع شاه آبادی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۰) بررسی شاخصها و سطح بندی اولویت ها در ساماندهی و توانمندسازی محله جنگلده شهر علی آباد کتول (استان گلستان)، پژوهشهای جغرافیای انسانی.

زیاری، کرامت ... و آذر دخت نوذری (۱۳۸۸) ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۲۱-۳۶.

سعید زاده، سید محسن (۱۳۷۴) مشاغل زنان، پیام زن، شماره ۳۸۳.

سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه شناسی اشتغال زنان، تبیان.

سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲) بررسی مشارکت اجتماعی زنان در تهران، پژوهش زنان، دور اول، سال ۳، شماره ۵.

شادی طلب، ژاله و علیرضا گرائی نژاد (۱۳۸۳) فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، تهران.

شادی طلب، ژاله و وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸۴) مقاله فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.

شهیدی، اکرم (۱۳۸۶) توانمندسازی اجتماعات محلی اسکان غیررسمی، گامی به سوی پایداری

پروین رئیسی فرد (۱۳۷۸)، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.

آیت الهی، زهرا (۱۳۸۱) زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران. بابایی زکلیلی، محمد علی (۱۳۸۵) چالش های زنان برای ارتقاء به مشاغل دولتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی ویژه مدیریت.

بامداد، شیدا (۱۳۷۶) بررسی عوامل مؤثر بر میزان های اشتغال زنان در ۲۵۲ شهرستان کشور - سال ۱۳۷۵، مجموعه مباحث و مقالات همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

بهمن پور، ثریا؛ شیخی، ایمن سادات (۱۳۸۵) توانمندسازی جامعه محلی: توسعه پایدار سکونتگاه غیررسمی نوده مشهد، مؤسسه همیاران غذا، تهران. بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۵)، کار زنان و پدیده بیکاری ساختاری در کشور، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۱ و ۲۳۲.

پیران، پرویز (۱۳۷۶) «مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی»، خلاصه گزارش گروههای مطالعاتی گردهمایی زن، کشاورزی، توسعه ۱۴۰۰، جلد اول، گزارش اول.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶) زندانیان و مساله مشارکت، نتایج یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰.

حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صفحات ۱۵-۲۴.

حسینی، زهرا (۱۳۸۱) ضرورت و محدودیتهای اشتغال زنان، نشر جامعه، تهران.

حکیم پور، محمد (۱۳۸۳) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، انتشارات نغمه نوازش، ایران چاپ، تهران.

مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.

کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستایی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، تهران، صص ۵-۳۰.

کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، مجله پژوهش زنان، شماره ۷.

کجباف، محمد باقر و کاظمی، ملیحه سادات (۱۳۸۷) بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی، مجله مطالعات زنان شماره ۳.

کمالی، افسانه (۱۳۸۰) «رهیافت مشارکت زنان در توسعه: پیش شرط ها و موانع»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران، دوره ۱، شماره ۱.

کونن، بروس (۱۳۷۷) درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.

لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) بررسی آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها.

مصفا، نسرين (۱۳۷۳)، نقش مشارکت سیاسی در توانا سازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳.

مطیعی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۲) برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

شهری، مسکن و انقلاب، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۶، صص ۴۴-۵۱.

شیخی، محمد (۱۳۸۱) فرآیند شکل گیری، و دگرگونی سکونتگاههای خودرو پیرامون کلان شهر تهران، فصل نامه هفت شهر، سال دهم، شماره هشتم، تهران.

طالبیان، احمدرضا و وفایی، فاطمه (۱۳۸۵) الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، تهران.

عفتی، محمد (۱۳۷۱) بررسی عوامل موثر بر مشارکت روستائیان در طرح های توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۴) زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، ۱۳۸۴

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران

فتاحی زاده، فتیحه (۱۳۸۳) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم.
فرخی، طاهره (۱۳۸۱) نقش زنان در توسعه پایدار و تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، ش ۷۴، صص ۷۶-۷۹.

فروزان، ستاره (۱۳۷۹) طرح بررسی شاخص های فقر انسانی در زنان سرپرست خانوار خدمت گیرنده از سازمان بهزیستی کشور، سازمان بهزیستی کشور، تهران.

فروزان، ستاره و اکبر بیگریان (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، تهران، صص ۳۵-۸۲.

فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

قدیر، محسن (۱۳۸۰) اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسایل و

(1979) "AN Analysis of Relationship Between Husband's Income, Family Size and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage", Journal of Marriage and the Family, Vol 44, No 4. Kandiyoti, Deniz (1985), Woman in Rural Production System: Problems and Political, France: UNICCO.

Kyem, P.A.K., (2004), "Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications", Cartographica, 38, No.4&3, March 2004, pp.17-5.

Lahsaiezadeh, Abdolali (1987), Land Reform and Social Change in Rural Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO NO 2/1.

Lahsaiezadeh, Abdolali (1988), Post-Revolutionary Land Distribution in Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO. NO 2/1.

Lahsaiezadeh, Abdolali (1993), Contemporary Rural Iran. Alders hot, England: Overbuy.

Lowe, et al (1999), "Participation in rural Development," center for rural economy. Mclaverty, p (2002), Public participation and innovations in community governance, Ash gate.

Oakley, P. et al. (1999) Protects People the Practice of Participation in Rural Development. Geneva: ILO.

Sargent, L. Tower. (1999). "Contemporary Political Ideologies, Philadelphia: Fort Worth".

Sills, David (1968), International Encyclopedia of Social Sciences, New York, Macmillan Company and the Free Press.

مهدیزاده، جواد (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های شهر و جنسیت در جستجوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵، ۱۳۸۷

موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۱) مشارکت زنان در گفتگوی تمدنها، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۲.

میلائی، ندا (۱۳۷۶) بررسی طرح شهردار مدرسه بعنوان یک عامل مشارکت زا در میان دانش آموزان راهنمایی مدارس تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نادعلی، لیلا، (۱۳۸۵) مدیریت زنان، مجله مدیریت شماره ۱۱۶.

نصیری، معصومه (۱۳۸۴)، فقر و تبعیض علتهای محدودیت توسعه اجتماعی زنان ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۱ و ۲۱۲. نوروزی، لادن (۱۳۸۳) موانع ارتقای زنان به مشاغل مدیریتی، مجله پژوهشی زنان، شماره ۱.

Alexander, E.R. (1992), Approaches to planning: Introducing Current Planning Theories, Concepts & Issues, Gordon and Breach Science Publishers, Philadelphia.

Chant, S.,(1997), "Woman-headed Householde: Diversity and Dynamics in the Developing World", Houndmills, Basingstoke:McMillan.

Chant, S.,(2003), "Female Household Headship and the Feminisation of Poverty: Facts, Fictions and Forward Stragies", Issue 9, Gender Institute, London School of Economics.

Elwood, S.A. (2002), "GIS Use in Community Planning: A Multidimensional Analysis of Empowerment." Environment and Planning A :34 22-905.

Erstad. Margaret (1997). "Empowerment and Organizational Change". International Journal of Contimporary Hospitality

Ewer, Phyllis, A, Crimmins Eileen, Oliver Richard

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

۱۳۴